



ضد شورش

و

جنگ

رهائی بخش ملی

تقدیم به: پیشمرگه " گریلای " کرد!

جدا شده از . . . جنبشهای جهانی!

رفقا : این نکته را از یاد نبریم !

فقط به بهای تلاش و مبارزه د رزندگی سرگردان
امروز است که : فردا خواهیم توانست " اتحاد و
یگانگی " بین خود و . . . بالاخره ، الحاق میهن
" تجزیه شده مان " را تدارک و تامین نمائیم .
اکنون صفوف خود را متشکل کنید . آنچه ملت‌ها را
شکل میدهد ، چیزی جز اعماق وجود
خواستن و آرزو کردن نیست .

از : سرهنگ چیا : (فرمانده سابق واحدهای پیشمرگه " گریلا " در کردستان " 1979 - 1985 ")

طراح جنگهای چریکی با زمینه قبلی " نظامی " .

پیشگفتار:

مایلم این پیشگفتار را با جمله از: خوزه مارتی - یکی از قهرمانان استقلال کوبا آغاز کنم که مینویسد: (کسیکه جنگ اجتناب پذیری را در یک کشور علم میکند ، جنایتکار است . اما کسیکه جنگ اجتناب ناپذیری را در یک کشور علم نمیکند هم جنایتکار بشمار میرود.) .

اگر از جنگ باز هم از جنگ در مفهوم عام آن " **غیر عادلانه** " (ویرانی ، ظلمت و فقر ، و مرگ و نابودی . . . الخ) سخن میگویم و مینویسم عمیقاً متأثرم ! . اگر مشی مبارزه مسلحانه را بمثابه هم : (تاکتیک هم استراتژی) در مبارزه : ملی و انقلاب برای آزادی و استقلال جامعه و سرزمین ستمدیده کرد از : ظلم استعمار . . . و ظلم و ستم شونییزم اشغالگر ، در مفهوم خاص آن یعنی " **عادلانه** " میپذیرم و بدان معتقد م ، بدان معنا نیست که من ، و یا خلق کرد جنگ طلب است ! .

بایان دیگر : جنگ بخاطر جنگ !! ، هرگز . بلکه جنگ بخاطر رهایی ملی و اقتصادی علیه اشغالگران آنهم در شرطی که راه کارهای سیاسی به بن بست رسیده - و راه مبارزه مسلحانه در مفهوم " **ادامه سیاست با وسایل دیگر** " شکل گرفته و ناگزیر گردد . " چراکه : ما هم چون تو و . . . همه آنها تیکه از جنگ صد مه دیده اند یادرنج و عذاب اند ، از تعدی و تجاوز : نیروهای اشغالگر ، از غرش غول آسای هواپیماهای جنگی بر فراز آسمان صاف و آرام میهن " **تجزیه شده مان** " ، از صدای مهیب و مخرب انفجار گلوله های : (توپها ، خمپاره اندازها . . . و انواع موشکها) بر جا مع و سرزمین ستمدیده مان ، بیزار و متنفریم .

بویژه که : هر بار صدای : طنین آوای زیبا و دلنشین " **قیل و قال** " کودکانه . . . کودکان کرد را در آغوش گرم مادرانشان در رافقی از شعله های از " **آتش و دود** " ناپدید یعنی : آنرا به شیون و زاری و وحشت و اضطراب و یا بسا بجدائی ابدی آند و از همدیگر مبدل میسازد .

گاهی هم : مزارع سرسبز بهاره دهقانان فقیر کرد را به سیاهی و . . . یا خرمن پائیزی آنانرا طعمه آتش و دود ساخته و به تلی از خاکستر مبدل و . . . سرانجام : یا آنانرا به فقر و تنگدستی باز هم بیشتر میکشاند و یاد در تداوم " **تراژدی** " جنگ ، زمانی هم : کلبه محقرو تاریک اورا که نامی جز " **ظلمت کده** " استعمار و کار گزاران شونییزم آن ، نمیتوان و " نباید " بر او نهاد ، یکجا بر سر او و خانواده اش فرو میریزند . . . و آنان در رویائی از : امید و آرزو به زندگی و دنیای بهتر در زیر آوار مدفون میسازد . و بالاخره که . . . در شعاع ترکش هر گلوله آن همانا آثاری از سیاست شوم استعمار : (**اتحاد اجباری و الحاق - جبری**) آشکار است ، و بدینسان خلق ستمدیده کرد را باارمغانی از " **فشار و زور و اختناق** " و امیدارد که : با وجود میهن تاریخی اش و با وجود : (**زبان ، فرهنگ و اقتصاد**) مشترک و یکسانش معذالک به زندگی در اشتقاق و اختناق استعمار ، و قید و بند خصم (شونییزم و ارتجاع) حکومتی - و سازمانی تمکین نماید .

در یک کلام : آنگاه که جنگ در شکل و محتوای (**غیر عادلانه اش**) ! ، چون کابوس وحشت و اضطراب : قحطی ها ، فقر ، جنایت ، و بیماری و رنج می آفریند . . . و سرانجام موجب بی عدالتی و ستم " ملی و طبقاتی " می گردد ، باز هم از آن بیزار و متنفریم .

یعنی اینکه : (**صلح را دوست داریم و به آزادی و زندگی عشق میورزیم**) ، اینها واقعیات تاریخی اند که توضیح و سند اعتبار آنرا باید : در آرشو گذشته - و نیز در شرائط اجتماعی ، و سیاسی و نظامی امروز مبارزه - و فداکاریهای خلق ستمدیده کرد ، سراغ گرفت . لیکن : با وجود این حقیقت محرز و مسلم ، سیر تاریخ در سراسر دوران موجودیت خلق کرد ، همواره موید این تجربه تلخ تاریخی نیز بوده - و میباشد : مادامیکه سیاست استعمار و امپریالیزم : (**تعدی و تاراج**) مادامیکه حاکمیت و سیطره شوم شو - ینیزم و ارتجاع : (**ظلم و ستم**) بر مبنای سیاست : " **انکار و امحا** " بر کردستان و کرد در میان باشد ، هر گونه سخن گفتن از " صلح و آزادی " در عمل و به تجربه ابزار فریب و نیرنگی بیش نیستند . و لذا امید بستن به آن " **واهی و عیث اند** " ! . **چراکه** : تاکنون در عمل و به تجربه فرجا می جز فریب ، و حاصلی جز شکست و ناکامی برای خلق کرد - و بویژه ، مبارزات " **عادلانه و برحق** " وی در بر نداشته است .

لذا در پرتو چنین شرائطی از : شرارتها ، عصیانگریها و نفی مطلق موجودیت تاریخی ملت و میهن کرد ، بویژه و در اینراه : (**1- شعاع فاشستی دولت میلیتاریستی " امریکائی " ترک در ترکیه که مدعی است : (یک ترک بدل یک جهان است) ! .** که با پیروی از چنین سیاست و ئیدولوژی به تخریب 5000 آبادی و کوچ اجباری و آوارگی حدود 3 میلیون از ساکنین کرد آن پرداخته . . . همزمان بر چسپ افتراء و اتهام : ناروای ترو و ترور یسم به پیشقراولان راه (**آزادی و استقلال**) جامعه و سرزمین استعمار زده کرد ،

وسيله چنين رژيم (ترور و حشت) ، بكمك ارباب آمريكائى اش ، كوشيده - ميكوشد تا اين اعمال " فا - شستى و ضد انساني " خود را از انظار و افكار عمومى پنهان دارد الخ ، 2 - برنامه انفال و بمباران هاى شيميايى حلبچه و سردشت در شكل و محتواى " **ژنوسايد** " توسط دولت فاشيستي - وپان عربيسم وقت عراق بر روى هزاران تن از كرد ها ، 3 - **ايجاد كمربند عربى** در سوريه از سال 1970 بر مبناء سياست " **پان عربيسم** " و (بيرون راندن هزاران كرد از خانه و كاشانه خود و جا بجايى عربيها به اين مناطق كرد نشين) در سكوت جهانيان ، 4 - تراژدى تيرباران كردن دسته جمعى ساكنين كرد قراء (**قارنا و قلاتان**) وسيله رژيم شويينيستى - ارتجاعى حاكم در ايران در سال 1980 . . . الخ ، 5 - **وسرانجام تحريف (الحاق ، به تجزيه)** و تبليغ و توجيه آن بسود افكار و نيدنو لوژى شويينيستى و ارتجاعى رژيم هاى اشغالگر و بويژه - ودر اينراه : پيروى و تبليغ و تكرار چنين سياست و نيدولوژى شويينيستى ، وسيله گروهها ، سازمانها و احزاب باصلاح : (**چپ - و ترقى خواه**)؟! ، مخالف اين رژيم ها ؟ ، در **قبال طرح و عنوان مسئله : حق تعيين سرنوشت مردم كرد " بدست خويش "** .

همه و همه مويد و نشانگر اين حقيقت اند كه : **براي حل و فصل تضادها اعم از " ملي يا طبقاتى " و سرانجام رسيدن به آزادى و صلح واقعى ، چاره اى جز جنگ و بازهم جنگ در شكل و محتواى : (ادامه مبارزه سياسى ، با وسائل ديگر) نخواهد بود .**

زيرا : خلق كرد ، در راه پراز فراز و نشيبي در مبارزه است ، دشمنانش از هر سو اوراد محاصره گرفته اند ، هميشه بايد از زير آتش آنها بگذرد ، معذالك اراده اش بر : (**الحاق و اتحاد**) بنابه تصميم آزادانه اش است ، تصميمى كه همانا براي آن گرفته است كه : **براي رهاى از طلسم شوم پيراستعمار ، با اشغالگران پيكار كند . چراكه در چنين شرائطى : (جنگ عاليترين شكل مبارزه متقابل در ميان ملتها ، در ميان دولتها ، و در ميان طبقات و گروههاى سياسى است) .** مائو تسه دون .

بنابر اين ميبايستى جنگيد ، لکن با هدف سياسى مشخص و باتكيه بر اصول و فنون جنگهاى " ملي و انقلابى " و ثوريهائى آن كه جنبه اصولى دارند ، ميبايستى علل شكستهارا كشف كرد . **زيرا : (بزرگترين آموزنده انقلاب شكستهاى آنست) .**

ميبايستى بر اساس درسهائيكه از تجربيات تاريخى و روخدادهاى " جارى " خود ديگران بدست مى آيند ، به تحليل اوضاع و احوال موجود ، به تغيير و انتخاب : (استراتژى و تاکتيك هاى) جديد مبارزاتى : و بر اساس نياز " تاريخى و حقيقى " ملت كرد پرداخت ، **ميبايستى :** حرکت توده ها را از شكل و محتواى يك حرکت خود بخودى ، يعنى " **خودانگيخته** " ، ناگاهانه و سازمان نيافته متحول ساخت و بالاخره ، **ميبايستى** به هريك از مباحث رزين خلق كرد ، بويژه ، (**پيشمرگه ها و گريلا ها**) آن بابسيج سالم سياسى فهماند كه چرا : **مى جنگد و اصولا اين جنگ چه ارتباطى با شخص وى ، و جامعه و سرزمين او دارد ، سپس دوباره جنگيدن و تجربه آموختن بطور نامحدود و خستگى ناپذير . . . تا پيروى .**

آموختن : مبارزه عليه اين فکرو برداشت " بايد " هميشه وجود داشته باشد كه : (**از نظر تاکتيكى كمتر از حد ، و از نظر استراتژيكي بيشتراز حد واقع ارزيبايى كردن دشمن**) ، و سپس دوباره جنگيدن ، امانه بهر قيمت و بهائى : يعنى (**خود را به آب و آتش زدن**) ، **زيراكه :** اينكار مغاير با اصل اساسى جنگ اعم از جنگهاى منظم يا غير منظم چريكى " گريلايى و پارتيزانى " است .

سرانجام پى بردن با اين حقيقت كه : جنگجويان كرد بدون شك عنصر پيكار جوى شگرفى هستند كه اگر : بخوبى سازمان يابند و هدايت گردند ، آنها ميتوانند و قادرند : بر روى همين امكانات موجود ، حماسه هاى پرشكوهى را كه مملوء از : رنگها و آهنگها ، و پراز قدرت و عضمت اند ، بيافرينند و اوضاع كنونى را كه در آن " جامعه و سرزمين " ما زير ستم و تجاوز " فاشيزم و ارتجاع " رنج ميبرد ديگر گوسازند .

ولذا: آنها میتوانند و قادرند که: سرآغاز هر حکمت و مبنای جنبش رهاییبخش (ملی و انقلابی) و کامیابی های آینده آن باشند. چه "تاریخ و تجربه" صحت چنین استنتاج و انتخابی را فراوان تایید کرده است.

مسئله، با وجود چنین شرائط مساعدی استفاده از فاکتورهای علمی و فنی "مبارزاتی" بویژه آنها که جنبه عمومی دارند از جمله: (**اگر دشمن و خودت را بشناسی، صدبار میجنگی، بخطر نمی آفتی**). بطوریکه کار برد عملی آن بدون شک در شکوفائی و بالندگی مبارزه ما در حال و آینده: (**ارزیابیها**) چه از نظر سیاسی، و چه از نظر نظامی نقش حساس و ارزنده ای را ایفاء مینماید.

زیرا: مضمون چنین مطالبی "مرحله آموختن و بکار بستن" یعنی: شناخت قوانین تکامل و واقعیت های عینی و تعیین عمل خودمان طبق قوانین مذکور، بمنظور غلبه بردشمنی که در مقابل خود داریم. **بعبارت دیگر:** هر نقشه نظامی اعم از جنگهای "منظم و یا غیر منظم" باید بر اساس اکتشافات لازم و تعمق دقیق دربرآورد نیروهای "خودی و دشمن" و همچنین روابط متقابل آن مبتنی و استوار باشد.

انگیزه اصلی اثر حاضر: بحث و فحصهائی است که در این زمینه "سیاسی - نظامی" مخصوصاً نظامی زیاد صورت میگیرند که مشخصات عمومی این نظرات را میتوان بدینگونه خلاصه کرد: 1 - پدیده های جنبش مسلحانه فقط تصویر و توصیف میگردند، ولی تفسیر و تحلیل نمیشوند. 2 - تعمیم علمی و فنی در آنها وجود ندارد. 3 - دلیلی برای پدیده ها ارائه نمیگردند. 4 - مهمتر از همه رابطه جنبش با سایر ایدئولوژیها، و جنبش با توده ها در آنها کمتر و یا اساساً مورد توجه قرار نمیگیرند. 5 - این مسائل غالباً در پرتو هدفهای "سیاسی و تشکیلاتی" معینی... و بسا روابط و سلیقه های شخصی مستور میمانند. 6 - میبایستی باین مجموعه استراتژی "انتظار" و تاکتیک "کمپ نشینی" سازمانها و احزاب کردستان شرقی درد و دهه اخیر، و بسا از ابتداء جنبش و بویژه - و در این راه سپردن التزام و تعهد آنان به رهبران کردستان جنوبی مبنی بر خوداری آنان از انجام هرگونه عملیات مسلحانه علیه رژیم ایران به بهانه دستاویز حفظ دست آوردهای "نیم بند" کردستان جنوبی، نه تنها جنبش مسلحانه را در این بخش از میهن کرد عملی دچار "رکود و بن بست" کرده است!، بلکه در فرآیند آن موجبات یاس و ناامیدی مردم این بخش از میهن کرد را نیز به آینده جنبش "خودشان" فرا هم آورده است!؟.

از اینرو: با احساس مسئولیت (ملی و انقلابی) ام، میکوشم تا شاید توانسته باشم ضمن تجزیه و تحلیل موارد بالا، مضمون مطالب این اثر: برای هنر جوانان "جوان" این حرفه و فن (نظامی) بازتابی از تجربیاتی باشد که در این مورد عملاً در "جنبش مسلحانه" خلق کرد، **بویژه:** (بازمینه قبلی نظامی)، آموخته و اندوخته ام، همچنین انعکاسی باشد از اصول و فنون عام جنگ، بخصوص جنگهای چریکی "گریلای-ویا پارتیزانی" سایر جنبشهای "ملی و انقلابی" و انطباق آن با شرائط اجتماعی و جغرافیائی در کردستان.

زیرا: مسائل و قوانین جنگهای (ملی و انقلابی) و تئوریهای آن که جنبه اصولی دارند ترازنامه جنگهای هستند که پیشینیان ما تنظیم کرده اند. که هر جنبشی همواره میتواند چیزهای بسیاری از آنها بیاموزد، زیرا تجربیات این ملتها شباهتهای زیادی با هم دارند.

سخن کوتاه: در جازدن، چسپیدن و در غلطیدن، در میان منابع کلاسیک سنتی "کهنه مبارزاتی" خودی حتی بمنزله نفی آشکار تجربیات تاریخی و آموزنده جنبشهای خویش نیز میباید.

طبعاً ملاحظات مندرج در این "اثر" را نمیتوان مطلق و یابی نقص دانست، بلکه آنها را باید بیشتر بعنوان کوششهایی در جهت تبیین وجوهی از: یک موقعیت بشمار آورد، هدف این ملاحظات در خدمت درک بیشتر از موقعیت فعلی "جنبش مسلحانه" خلق کرد صورت میگیرد. این ملاحظات در عین حال بی عملی های بر خاسته از عدم درک وظائف را تا حدودی تبیین میکند. **دروغله دوم:** هدف برجسته کردن سازمانها و احزابی است که (نیتوانستند موقعیت را درک کنند) و لاقلاً آنرا در صفوف خود تغییر دهند، تا بدینسان بوضع و رای "امروزی" گرفتار نشوند!؟. **بعبارت واضحتر:** ضعف (سیاسی و تشکیلاتی) آنها در جریان مبارزه "از ابتدا تا با امروز" کیفیتی بوده که میتوان "وباید" آنرا نوعی ناموز-

ونی و عدم هماهنگی بین مبارزه (سیاسی با نظامی) نامید. البته این کیفیت را میتوان : فقدان " برنا- مه و اصول " ، فرصت طلبی ، هژمونی قدرت ، فقدان تداوم اورگا نیک و بالاخره ، ناموزونی بین " تاکتیک و استراتژی " نیز نام گذاشت .

باین نکته نیز کاملاً واقف ام : درجائیکه شریف ترین و فداکارترین فرزندان میهن کرد (کردستان) در مقابل هراسناکترین و اهریمنی ترین جلادان تاریخ و دشمنان بشریت ، قهرمانانه مبارزه میکنند ، وحشیانه ترین شکنجه ها را متحمل میشوند - و تاپای مرگ در : صداقت ، ایمان و شرف خود و در اصالت و درستی و برحق بودن راه خود تردیدی نمیکنند . زحمات ناچیزیکه برای نوشتن و انتشار دادن آثاری از این قبیل متحمل میشوم ، در حکم هیچ و بمثابه : (کمترین دینی) است که : میتوانم در شرایط فعلی " در مقابل شهیدان (آن قهر- مانان حماسه آفرین) اداء نمایم .

مع الوصف : از آنجائیکه انقلاب مانند هر چیز دیگری راه پریچ و خمی را میپوید ، و راه انقلاب اعم از : طبقاتی - ویامی ، هرگز مستقیم نیست . . . و در فرآیند آن با اعتقاد باینکه : (هرگز چیزی بنام اوضاع مطلقاً یاس آروبی راه حل وجود ندارد) . لنین

لدا اراده تسلیم ناپذیری در امر مبارزه با مشکلات و موانع را الهام میبخشد ، از طرفی شناخت و درک واقعی از اعتبار و اهمیت " هدف متعالی " و نیز اصالت و اعتبار تاریخی و حقیقی آن ، از ما میطلبد که با نیروی خلل ناپذیر " ایمان و عقیده " با آگاهی و اتکاء به شیوه های اصولی و اخلاقی : (تبلیغ و تهیج - و سازماندهی) . . . و با ایجاد زمینه اتحاد و همبستگی که از قضاء : امروزه بیش از همه مورد نیاز میباشد ، بیکار بیگیرو برحق خلقتان را جهت و جهشی نو ، و توان و رونق تازه ای ببخشیم .

ژنرال نگون جیات : فرمانده نیروهای ویتنام ، در جنگ با امریکائیا مینویسد : (در تناسب کنونی جهان اگر خلی ضعیف و کوچکی مصممانه بپا خیزد و برای آزادی و استقلال خود مبارزه کند میتواند دشمنانش را هرکه باشند به عقب نشینی وادارد و او را به زانو در آورد) .

در این " اثر " کوشش بعمل آمده تا مراحل جنگ رهائیبخش : (ملی و انقلابی) ، به ترتیب زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد :

- 1 - حفظ کردن نیروهای خودی
- 2 - متفرق کردن نیروهای دشمن
- 3 - برپا کردن نیروی عقبدار
- 4 - دنبال کردن شکلهای مبارزه شهری .

نگارنده در این مجموعه تعلیمات ارزشمندی: نه تنها از نمونه های چینی ، کوبائی ، و تنامی . . . و نیز مبارزات رهائی بخش ملی سایر ملل در حدود امکان و دسترسی ، جمع اوری کرده - بلکه از شناخت خود در زمینه تاکتیک ها و تکنیک های " ضد شورش " . . . و بویژه ، تجربیات خاص خود نیز با زمینه قبلی " نظامی " استفاده کرده ام . . . و نتایج آنرا به جنگجویان کرد که : خونهای بیدریغ خود را بامید (آزادی و استقلال) جامعه و سر زمین استعمار زده کرد ، دلیرانه به کشتزار تاریخ میباشند عرضه میدارم . باین امید که : مفید و مورد قبول و توجه واقع گردد .

ادامه دارد . . .

لطفا مطالب این پیشگفتار و ادامه آنرا در بین پیشمرگه ها - و کادرها طبع و منتشر فرمائید.

متشکرم .

مالمو سوئید .

ادامه

رهبری وفرماندهی خوب در میدان رزم ، امریست

حیاتی وبدون آن کسب موفقیت غیرممکن است .

وجودنقش آن کمک خواهدکردکه : اصولیتر، منطبق

تر ، مشکلتر به جنگ رهائیبخش (ملی وانقلابی)

خلقمان تا پیروزی نهائی ادامه دهیم . اینموضوع می

تواند درزمینه سیاسی نیزصادق - ومورد اجراء

باشد.

برای آگاهی ووقوف بیشتر بامضمون مطالبی که بعدا بدانها اشاره خواهد شد ، لازمست قبلا با تعاریف وخصوصیات چند واژه متداول درجنگهای " منظم وغیرمنظم " بطوراختصار آشنا شویم .

عنوان چریک Chirik در امریکای لاتین . Guerilla در اروپای غربی . Parti(z) san در اروپای شرقی و Guerilla " Peshmargh " در کردستان .

چریک " گریلا " کیست : یک انقلابی مسلح و معترضی است که : دارای ایدئولوژی سیاسی بوده - وداوطلبانه و متکی به پشتیبانی " مادی ومعنوی " خلق ، علیه نظامهای کهنه سیاسی واجتماعی حاکم - ویا دست نشانندگان خارجی ... وبالاخره ، علیه قوای اشغالگر بیگانه ، مبارزه میکند ، تا بجای آن حاکمیت توده ها : " آزادی - وعدالت ملی واجتماعی " را جایگزین نماید.

جنگ چریکی " گریلای " چیست : یکی از انواع جنگهایی است که : در آن یک طرف قوی وطرف دیگرضعیفتر است این جنگ که تحت عنوان جنگ غیرمنظم نیز شناخته شده است ، بوسیله پیشتازان " چریکهای مسلح " اجراء وبوسیله سازمانهای (ملی - انقلابی) سازمان وهدایت میگردد . برترین حالت مبارزه توده ها است ، که اولین تظاهر آن معمولا " جنگ چریکی - وگریلایی " است ، که دارای خصیصه ثابت است . این جنگ دارای اهدافی است مبتنی بر : نابودی تاکتیکی ، ضعیف کردن - واز پای درآوردن استراتژیکی دشمن .

یادآوری : باید در نظر داشت که : جنگ چریکی " گریلا یا پارتیزانی " یک جنگ خلقی است ، بنابراین جز با حمایت وپشتیبانی توده ها " بویژه " توده های روستائی امکان پذیر نمیشود . ولی هیچگاه نباید در ایجاد پیوند اورگانیکی بین جنگ چریکی در شهرها - وجنگ چریکی در مناطق روستائی تردیدی بخود راه داد ، بعبارت دیگر : احتمالا اهمیت جنگ چریکی در شهرها فراموش ... وحتى کم بهاء دادن به اهمیت نقش آن نیز خطا کرد.

جنگ چریکی " گریلایی یا پارتیزانی " صرفنظر از اینکه خود شیوه خاصی از جنگ بوده - معذالک مانند همه جنگهای دیگر که در دنیا رخ میدهند دهدف اساسی را که عبارتند از : هدف سیاسی وهدف نظامی را تعقیب مینماید .

الف - هدف سیاسی :

1 - بر انداختن نظام کهنه حاکم - و یا دست نشانندگان بیگانه . . . و انهدام تشکیلاتهای وابسته به آن ، برقراری نظام نوین بر پایه " آزادی - و عدالت اجتماعی " و حراست از آن .

2 - بیرون راندن اشغالگران بیگانه ، سرکوب خائنین داخلی . . . و استقرار حکومت " ملی دمکراتیک انقلابی "

ب - هدف نظامی

حفظ و گسترش نیروهای خودی و از بین بردن نیروهای دشمن ، جمع آوری اطلاعات ، مختل کردن امور " اقتصادی و سیاسی " دشمن ، در پشت جبهه و مناطق زیر نفوذ .

ویژگیهای جنگ چریکی " گریلابی یا پارتیزانی " : 1 - اجتناب از ارائه یک خط ثابت و معین " موضعی " به دشمن . 2 - استفاده از عملیات غافلگیرانه بمنظور : وارد آوردن ضربات به دشمن و بستن او در آن .

اصول اساسی جنگ چریکی " گریلابی " : 1 - غافلگیری 2 - سرعت 3 - ضربت 4 - گریز .

یادآوری : از این اصول میتوان بعنوان (محور تاکتیکی) عملیات جنگ چریکی نیز نامبرد .

تاکتیک چیست : نقشه عملیاتی سیستماتیک و مداومی است که : با اصول و قواعد جنگ " منظم یا غیر منظم " منطبق باشد .

استراتژی چیست : یک رشته عملیات منظم و مشخص تاکتیکی است که : به هدف واحد و مشخصی منتهی میگردد .

دد . بعبارت دیگر : هر پیروزی استراتژیکی بر مبنای یکرشته پیروزیهای تاکتیکی مشخص استوار است .

یادآوری : (بدون استراتژی ، تاکتیک کوراست) .

ابتکار عملیاتی چیست : تحمیل شرائط جنگ بدشمن بر حسب (زمان ، مکان ، و تصمیم گیری سریع و دل - خواه) بمنظور حفظ برتری نظامی بردشمن .

یادآوری : نقش ابتکار عمل لازم و ضروریست ، بدون آن هیچ جنگ چریکی نمیتواند به زندگی خود ادامه دهد .

محمد شه هو : فرمانده " وقت " لشکر اول ارتش رهائیبخش آلبانی در اکتبر 1944 مینویسد : (آنچه برای یک جنبش چریکی وخیم است ، قدرت خرد کننده یک ارتش نظامی منظم نیست . . . آنچه برای یک جنبش چریکی وخیم است ، اینهم نیست که یک بخش متخصص این ارتش جرات میکند که آشکارا با واحدهای چریکی بر سر ابتکار عمل با سرکسب ابتکار عمل بمنزعه برخیزد . . . بلکه در اینست : که دشمن این (ابتکار عمل) را بچنگ آورده و از آن خود کند . از این لحظه واحد چریکی یا نابود میشود یا به بیماری مزمن : (ادامه حیات) محکوم می گردد : حتی طبیعت جنگ چریکی ، چریکهارا مجبور میکند که به نفس ابتکار عمل متوسل شده و آنرا توسعه دهند .

طرح عملیاتی چیست : بر آوردن کلی از وضعیت نیروهای (خودی و دشمن) ، و اتخاذ آرایش متناسب با آن . هر طرح عملیاتی میبایستی پاسخگوی موارد " پنجگانه " زیر باشد : 1 - وضعیت 2 - ماموریت 3 - اجرا " تدبیر عملیاتی و هماهنگی " ، 4 - تدارکاتی 5 - فرماندهی و مخابرات .

کمین چیست : حمله غافلگیرانه ایست که : از کمینگاه " ثابت " علیه هدفهای " متحرک " دشمن مانند (ستون پیاده ، ستونهای موتوریزه " قطارهای حامل نفرات نظامی و تدارکات و تجهیزات جنگی) دشمن صورت میگیرد . دستبرد چیست : حمله غافلگیرانه ایست که : علیه هدفهای " ثابت " دشمن مانند (پایگاهها ، پادگانها ، مراکز تجمع و اردوگاههای) دشمن ، صورت میگیرد . از مشخصه دستبرد " اجرای آتشیهای طوفانی) از خط هجوم تا هدف میباشد .

سازمان چیست : ایجاد رابطه و تناسب بین استعداد و تخصصهای پرسنلی " نفرات با وسائل و تجهیزات رزمی موجود.

آتش و مانور یا حرکت و آتش چیست : عملیات پیشروی یا عقب نشینی که : درپوشش آتشیهای هماهنگ شده خو- دی اجراء میگردد.

تخمین مسافت چیست : تعیین فاصله تقریبی بین خود تا هدف " موردنظر" ، اینکار برای بستن درجه به تفنگ و یا تیراندازی با سایر سلاحهای سنگین و نیم سنگین اهمیت ویژه ای دارد.

مدیریت چیست : علم و هنر (متشکل کردن ، کنترل و هدایت کردن ، رهبری کردن فعالیتهای دسته جمعی را به منظور تأمین هدف یا هدفهای مشترک خاصی میباشد. اصول مدیریت) سازمان دادن ، رهبری کردن ، هماهنگ کردن ، کنترل کردن) .

رهبری چیست : توانائی تحت تاثیر و هدایت قرار دادن دیگرانست . بعبارت دیگر: هنر رهبری شامل : درک و شناسائی ، پیش بینی کردن ، و کنترل کردن دیگرانست .

فرماندهی چیست : اختیاراتی است که قانوناً یک فرد " چریک یا گریلا " یا نظامی برحسب (تخصص ، ارزش کار ، و حس مسئولیت) به افراد واحد تحت فرماندهی خود اعمال میکند . باید توجه داشت هر مسئولیتی اعم از " سیاسی و یا نظامی " بدون اختیارات متناسب با آن مسئولیت فاقد ارزش و اعتبار بوده - بعبارت واضحتر: نمیتواند وظایف و مسئولیتهای مورد نظر را تأمین نماید.

ویژگیهای از یک فرمانده خوب :

1 - درباره " سازمان ، تاکتیک ، اسلحه ، اموراداری . . . وسایر اموریکه برای رهبری زیردستان خود بدانستن آنها نیازمند است ، معلومات کافی داشتمه باشد 2 - ماموریت خود را بخوبی و با دقت شناسائی ، و سعی کند طرح اجرای آن آنقدر ساده و روشن باشد که تمام افراد " چریکها " آنرا بخوبی درک کنند 3 - سعی کند تا آنجا که ممکن است دشمن را فریب داده - و باعث گمراهی او شده و نقشه های او را خنثی نماید 4 - خصوصیات اخلاقی و تاکتیهای دشمن را مورد بررسی و شناسائی دقیق قرار داده - و از آنها علیه او استفاده کند 5 - همیشه " مخصوصاً " در میدان رزم کاملاً خود را کنترل نماید 6 - هرگز یاس و ناامیدی بخود راه ندهد 7 - هرگز دستوری صادر نکند که خود حاضر به اجراء آن نیست 8 - همیشه احتیاجات و مشکلات تدارکاتی و لوچستیکی واحد خود را مورد بررسی دقیق قرار داده و برای رفع و تأمین آنها بکوشد.

پابلوس تورس ، در کتاب (جنگ انقلابی) درباره " تدارکات " مینویسد : حل مسائل لوجستیکی حتی قبل از ورود در یک مبارزه " مسلحانه " یکی از مهمترین و حیاتی ترین مسائل است .

9 - یک فرمانده خوب باید : (سریع ، روشن ، وقاطع) تصمیم بگیرد ، و عمیق فکر کند 10 - یک فرمانده یار هیر خوب باید بخاطر داشته باشد که : پیروزی موقعی بدست میآید که او (فرمانده یا رهبر) بخواد که پیروز شود . . . در دنباله این بحث بیشتر روی این مسئله " خواستن " تکیه خواهم کرد.

انضباط چیست : پایه و اساس نظم مبتنی بر " صمیمیت و اطاعت " را در واحدهای چریکی را انضباط مینامند.

وجود انضباط در واحدهای نظامی - بویژه ، در واحدهای چریکی " گریلایی " عامل مهمی و اساسی در کسب پیروزی بشمار میآید. در اینجا ذکر این خاطر را بی مناست نمیدانم که : متأسفانه در میان واحدهای جنبش مقاومت خلق کرد بطور اعم ، و در میان کادر رهبری بطور اخص ، وقتی سخن از : (نظم و دیسیپلین) به میان میآید اغلب اظهار میکردند که : (اینجا سرباز خانه نیست - ما که سرباز نیستیم ، نیازی نیست ، هنوز زود است . . . و غیره و غیره) !! .

بیان چنین مطالبی صرف نظر از اینکه : دلیلیست بر عدم اطلاع و آشنائی با اصول و فنون جنگ چریکی " گریلابی " که انضباط : خاص ، داوطلبانه ، و آهنینی رامیطلبد . . . اصولا مفهوم مطالب این طرز تفکر و بیان معنایش : (بی نظمی بی بندوباری . . . واز همه مهمتر عدم توجه و علاقه به حفظ جان " پیشمرگه ها " پارتیزان ها " و مالا عدم وفاداری و علاقه به کسب پیروزی است . بنا بر این باید تلاش کرد (نه فقط در سخن ، بلکه در عمل) که مزیتها و مزایای وجود یک انضباط " آهنین و آگاهانه " را برای هر فرد چریک " پیشمرگه " و سایر اورگانهای دیگر تبلیغ و تفهیم کرد.

روحیه چیست : روحیه در حقیقت یک نیروی معنوی است که یک فرد یا گروهی را بر آن میدارد : تا بدون در نظر منافع شخصی برای انجام کاری (ماموریتی) ، حد اکثر کوشش خود را نموده - و از هیچ تلاش و فداکاری دریغ ننماید.

برای ایجاد روحیه در افراد میبایستی این اصول را در نظر گرفت : **1 - اصل معنوی 2 - اصل ذهنی 3 - اصل مادی** البته مهمترین این اول همانا اصل معنوی است زیرا افراد فقط با دارا بودن " ایمان " راسخ میتوانند در برابر مشکلات در (فرازو نشیب مبارزاتی) پایداری نمایند . عواملی که مستقیما روحیه یک فرد چریک " پارتیزان " را تحت تاثیر قرار میدهد بسیار متعددند ، که مهمترین آنها عبارت اند از : (روش رهبری و هدایت فرمانده ، وجود نظم و انضباط ، دوستی و صمیمیت بین افراد ، اراده افراد ، پیروزی) .

مناطق آزاد شده کدامند : به منطقه یا مناطقی . . . و در نهایت به " میهنی " اطلاق میگردد که : در جریان مبارزه مسلحانه " قهرآمیز " از زیر نفوذ و سیطره قوای اشغالگر بیگانه خارج و اورگانهای انقلابی و خلقی در آن مستقر گردند . بنا بر این : این مناطق با مناطق رها شده (بلا تکلیف) فرق بسیار دارد .

پایگاه چریکی " پارتیزانی " چیست : یک منطقه نسبتا وسیع و امنی است که در آنجا میتوان سازمانهای رهبری خود را مستقر کنیم ، گروههای منظم را تعلیم دهیم ، کادرها را تربیت کنیم ، سلاحها و نیز مهمات را بسازیم ، مجروح شدگان را مورد مراقبت و درمان قرار دهیم . . . و الخ .

مناطق پارتیزانی " گریلابی " کدامند : مناطق بینا بینی مورد نزاع طرفین (چریک و ضد چریک) را مناطق پارتیزانی " چریکی " گریند : بدین معنی مناطقی که تحت محاصره دشمن میباشند ولی هنوز بخشهای مرکزی آنها به باشغال دشمن در نیامده اند ، و یا درآمده ولی باز ستانده شده اند ، بطوریکه این مناطق با حضور واحد های پارتیزانی تحت کنترل آنها در میآید ، و قتیکه از آنجا میروند بدست نیروهای دشمن میافتند ، و بالعکس .

جنگ ضد چریک " گریلا یا پارتیزان " : کلیه عملیات نظامی اعم از " منظم و غیر منظم " که بطور علنی و غیر علنی و وسیله متخصصین ستادهای عملیاتی امپریالیستی - و یا نظامهای دست نشانده محلی آن طرحریزی و علیه نیروهای (ملی و انقلابی) در منطقه بمورد اجراء در میآیند ، به جنگ ضد چریکی معروف اند .

بعبارت دیگر : وقتی دشمن درباره ضد شورش حرف میزند ، به مجموعه وسائل و تدابیری میاندیشد که نیرو - های سرکوب در اختیار دارند . یعنی : **جنگ احتیاطی ، جنگ مخصوص ، و جنگ محلی** . خواه بعنوان احتیاط و پیشگیری با نیروهای " ملی و انقلابی " به مخالفت بر میخیزد ، خواه برای نابود کردن آنها به راههای سریع متوسل میشود ، و خواه میکوشد که نیروهای " ملی و انقلابی " را بتدریج بطرف کهنکی و از مد افتادگی . . . و بالاخره ، آنها را بسوی خاموشی و سکوت سوق دهد .

در شکل کنونی : این تسلط نواستعمار است که بعنوان استراتژی کلی امپریالیزم به ضد شورش حیات بخشیده است که مراحل پی در پی آن عبارتند از : جنگ احتیاطی ، جنگ مخصوص ، و جنگ محلی یا محدود . . . که اجراء و اعمال آنها به ترتیب به توسعه مشخصی از مبارزات : (ملی و انقلابی) توده ها مربوط میگردد . پس ضد شورش ، شیوه سرکوب سرکرده استعمار نو ، عبارتست از : جمع آوری مجموعه ائی از کلیه شناختههای قابل

پذیرش در جنگها ، علیه جنبشهای رهاییبخش - بویژه ، جنبشهای رهاییبخشی که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمده - و امپریالیسم و دست نشانندگان محلی وی را به حال ناامیدی و احتضار درآورده است .

برای نمونه ، ژنرال آمریکائی بنام " ماکسول تایلور " در کتاب خود تحت عنوان (مسئولیت و پاسخ) چنین مینویسد :
(در حالیکه ما بیش از پیش خود را در ویتنام گرفتار میکنیم ، متوجه میشویم که جنگ رهاییبخش برای ما " آمریکائی ها " خطر وحشتناکی را بوجود آورده است . پس تلاش ما " آمریکائیها " باید مصروف یافتن وسائلی برای مقابله با آن گردد ، تا بدینوسیله به افسانه : جنگی آسیب نا پذیر و شکست ندادنی (خاتمه دهیم) .

دیگر اظهار لحنیه های مشابه ، همین هدف مشترک را دنبال میکند . بدینگونه است که ستیزه جوئی کلیه نیروهای ملی و انقلابی را تشویق و ترغیب میکند که علیه نیروهای استبداد و ارتجاع جهانی قد علم کنند ، و ما را نیز وامیدارد که در اینباره یک مطالعه و بررسی جدی در مورد چنین دشمنی بعمل آوریم ، تا بدینوسیله خط مشی های رهبری کننده مبارزه برای رهایی از قیومیت را پیدا کرده - و ریشه تاریخی داشتن " افسانه " را نیز باثبات برسانیم .

به همین قصد است که از این فصل ببعد ، مهمترین شیوه های مورد عمل نیروهای سرکوب (ارتجاع و استبداد) را یاد آور میشویم .

عملیات مدنی (یا غیر نظامی)

عملیات مدنی عبارتست : یک مجموعه تدابیر و اقدامات عوامفریبانه که بوسیله پزشکان ، کمک پزشکان ، مهندسان ، دندانسازان ، ماموران اصلاحات ارضی ، جهاد سازندگی ، و اعتبارات بانکی . . . توسعه و گسترش مییابد .

اینان در حالیکه بانجام پاره ای از کمکها باهالی مشغول میشوند ، در ضمن بجمع آوری اطلاعات و نیز به سازمان دادن شبکه های اطلاعاتی مبادرت میورزند . **عملیات مدنی :** در حقیقت تکمیل کننده سرویسهای رسمی است که نحوه عمل آن به مثابه یکی از موثرترین اسلحهء مبارزه ضد شورش (نیروهای سرکوب) تلقی شده است . در زمان صلح ، عملیات مدنی فعالیتهای خود را به تطمیع دستجمعی محدود کرده - و نام عملیات عام و مشترک را بخود میگیرد .

سازمانهای " ملی و امنیت " مناطق جنگ چریکی " پارتیزانی " احتمالی ، یا زمینهای بدون مالک را که در جوار منا - طقی قرار دارند که در آنها کشمکشهای بزرگ اجتماعی بجشم میخورد ، به تصرف خود در میآورند ، در دهکده ها - و دهکوره های آن جاسوسان و ماموران مخفی خود را بعنوان زمین شناس ، ماموران اصلاحات ارضی و بهداشت عمو - می . . . و غیره ، جا میزنند . تعداد بسیاری از اینها : تجهیزات مخابراتی در اختیار دارند که آنها را در حول و حوش محل کار خود مخفی میکنند . این تجهیزات با آنها امکان میدهد که با پاسگاههای نظامی یا نزدیکترین سربازخانه ها (معمولاً در اولین ساعات شب) تماس برقرار کرده - و حضور آدمهای غریبه یا گروههای مسلح را در دهکده خبر میدهند .

گاهی وقتها خودشان را انقلابی - یا هواداران نیروهای انقلابی جا میزنند و عکسهائی نیز از رهبران جنبش را در بین مردم پخش میکنند ، و از مردم درخواست همکاری و برقراری تماس را مینمایند ، یا اینکه ادعا میکنند که چریک

هستند و در ضمن یکی از حملات نیروهای دشمن از یاران خود بدور مانده - و پخش ویلا شده اند ، و از این نظر بکمک و یاری تمام رفقای منطقه احتیاج دارند . . . و ادعاهای دیگر از این قبیل .

بعضی از آنها از یکی از فرماندهان چریکی - یا یکی از مسئولین سرشناس تشکیلات نقل قول کرده - و درخواست میکند که برای پیوستن و ملحق شدن به چریکها مورد حمایت و راهنمایی قرار گیرند . . . و حرفهائی از این قبیل . **از طرف دیگر :** این سازمانهای امنیت رژیمها ، جاسوسان داوطلبی در اختیار دارند - از قبیل روستائیهای مرفه یا مباشرهای ثروتمند مالکان بزرگ که بسرعت وضعیتهای غیر عادی را بدستگاه سرکوب خبر میدهند .

البته سازمانهای امنیت و اطلاعات رژیم بصلاحيت سرویسهای مخفی محلی اعتماد چندانی ندارند . و ماموران سازمان - نی خود را معمولاً در قلمرو عملیات عام و مشترک بفعالیت و امیدارد که برنامه هایش مبتنی بر عملیات دستجمعی در مناطق روستائی یا حومه شهرها است . . . عملیاتی از قبیل : ساختن راهها ، ایجاد مدارس ، شبکه های راههای مناطق رو -

ستائی وسایر اقدامات مورد توجه عامهء مردم . **بطور کلی** : وقتیکه نظم عمومی بهم میخورد ، سازمانهای امنیت درحالیکه به توسعه وگسترش همهء این عملیات مبادرت میورزند ، بسازماندهی منابع اطلاعاتی ، به پخش اعلامیه ها ونیز عکسهائی از " آشوبگران " میپردازند ، برای کسانیکه آنها را (زنده یا مرده) تسلیم کنند ، جوائزی در نظر می گیرند وبه کسانیکه سلاحهای خود را بزمین بگذارند ، امان میدهند واز مجازات معاف میدارند.

ادامه دارد

لطفا این مطالب را طبع ودر بین پیشمرگه ها - وکادرها منتشر فرمائید.

متشکرم.

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئید.